



شماره ۶۰۰، دوره هشتم
سال هفدهم، ۲۷ دی ۱۳۷۹

جنبش خلق کرد، بخش جدایی ناپذیر جنبش سراسری مردم به مناسبت ۲ بهمن، سالگرد حکومت ملی و خود مختار کردستان ایران

روز ۲ بهمن سال ۱۳۲۴، سرآغاز یک تحول بزرگ در تاریخ جنبش ملی خلق کرد قلمداد می شود. در این روز در شهر مهاباد، در یک گردهمایی با حضور بیش از ۲۰ هزار نفر، طی قطعنامه یی، تشکیل حکومت خود مختار کردستان، در چارچوب ایران اعلام گردید و زنده یاد قاضی محمد، صدر حزب دموکرات کردستان ایران، به ریاست این حکومت برگزیده شد. بدین سان در تاریخ مبارزه پر فراز و نشیب خلق کرد، یک تحول کیفی صورت پذیرفت.

برخی ویژگی های این تحول تاریخی عبارتند از:
۱. جنبش ۲ بهمن، بر خلاف کلیه نهضت های پیشین کردستان ایران به رهبری و سازمان دهی یک حزب انقلابی و دموکراتیک، یعنی حزب دموکرات کردستان ایران، بوجود آمد و پیروز شد؛

۲. این جنبش برای همیشه به سلطه انحصاری و سنتی طبقه فئودال-عشایر بر

در صفحه ۳

هیئت نمایندگی
کمیته مرکزی حزب
توده ایران در
شانزدهمین کنگره
کمیونست های پرتغال
و گزارشی از
کنگره کمیونست های
اتریش

در صفحات ۴ و ۵

حزب توده ایران صدور احکام
جابرانه بیدادگاه های رژیم
«ولایت فقیه» بر ضد دگراندیشان
ملی-مذهبی را بشدت محکوم
می کند!

به گزارش ایسنا، شنبه ۲۴ دی ماه، غلامعلی ریاحی وکیل اکبر گنجی از محکومیت ده ساله و تبعید ۵ ساله موکلش خبر داد. به گفته ریاحی، گنجی به دلیل اتهام شرکت در کنفرانس برلین به چهارسال، در اختیار داشتن بولتن محرمانه وزارت ارشاد به چهار سال، توهین به رهبری و نظام به ۱۸ ماه، تبلیغ علیه نظام به ۶ ماه زندان محکوم شده است. ریاحی همچنین از محکومیت عزت الله سحابی به مدت چهارسال و شش ماه، به اتهام شرکت در کنفرانس برلین و تبلیغ علیه نظام خبر داد. بر اساس اعلام منابع آگاه، علی افشاری نیز به ۵ سال زندان محکوم شده است. پرونده کنفرانس برلین در مورد چنگیز پهلوان، کاظم کردوانی، بهمن نیرومند، مهدی جعفری گرزینی، روشنک داریوش، محمد رفیع، نسرین بصیری، مهدی سرداری، احمد طاهری، نوید کرمانی، کتایون احمد پور و شهوه بدیعی به علت این که در خارج از کشور بسر می برند، مفتوح است. به گزارش همین خبرگزاری، خانواده و بستگان امیر فرهاد ابراهیمی در اعتراض به آنچه که آن را عدم رسیدگی به شکایات وی در

ادامه در صفحه ۲

ما کشتار زندانیان سیاسی ترکیه را
محکوم می کنیم! در صفحه ۸

تئوری بافی درباره تند روی جنبش اصلاح طلبی، گامی خطرناک به سوی به سازش کشاندن جنبش

- منافع مشترک ارتجاع و امپریالیسم در ایران
- امپریالیسم نیز مخالف سرسخت تعمیق جنبش مردمی و شکل گیری یک جایگزین دموکراتیک در برابر رژیم «ولایت فقیه» است!
- انحصارهای سرمایه داری از زبان «تایمز مالی»، جنبش را به سازش با ارتجاع و حرکت در جهت «ثبات» همراه با اعتدال، دعوت می کنند!

سیستم حکومتی کنونی برای «اصلاح» تا چه حد است. نگاهی به چهار سال گذشته روشن می کند که در واقع اصلاح طلبان حکومتی در اکثر زمینه های اساسی و خصوصاً شعار توسعه سیاسی، نتوانسته است موفقیت چشم گیری کسب کند. بستن ده ها روزنامه و نشریه مدافع اصلاحات و دستگیری صدها روزنامه نگار، نویسنده و دانشجوی دگراندیش، طی این مدت، نشان می دهد که حتی دست آوردهای کوچک دولت خاتمی در این زمینه، از جمله انتشار شماری روزنامه های مستقل از کنترل کامل ارتجاع در هفته های اخیر به طور جدی زیر علامت سؤال رفته است و دیر نیست آن روز که «ولی فقیه» دستور یورش تازه ای را به باقی مانده مطبوعات مدافع اصلاحات صادر کند و صدای اصلاحات در رسانه های گروهی خاموش گردد. مدافعان تز «تند روی» روشن نمی کنند که کدام خواست جنبش «تند»، «رادیکال» و خارج از «توان جامعه» بوده است. آیا انتظار انتشار چند روزنامه مستقل و یا آزاد بودن چند نویسنده «خودی» ولی دگراندیش «تند روی» است؟ آیا این است معنای تحقق شعار توسعه سیاسی که آقای خاتمی، در جریان انتخابات دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، قول آن را به مردم داد. آیا «تند روی» معنایش آنست که

ادامه در صفحه ۶

بحران بی عملی و بی برنامهگی جنبش اصلاح طلبی، و خصوصاً رهبری سیاسی آن، در شمایل رهبری جبهه دوم خرداد، در برابر یورش های فزاینده و گسترش یابنده مرتجعان حاکم، به یکی از مهمترین موضوعات بحث، در برخورد آراء و نظرات گروه ها و شخصیت های گوناگون سیاسی و اجتماعی کشور، بدل شده است. در وضعیتی که حلقه محاصره مرتجعان حاکم، در عرصه های گوناگون، از جمله سرکوب خشن دگراندیشان و شخصیت های سیاسی رادیکال رهبری جبهه دوم خرداد، گلوی جنبش را می فشارد و آنرا با مخاطرات جدی روبه رو کرده است و در حالی که در همین چند روز گذشته شماری از این شخصیت ها تنها به دلیل شرکت در یک کنفرانس بین المللی و به جرم دگراندیشی و انتقاد از استبداد حاکم به زندان های طولانی مدت محکوم شده اند، شماری از شخصیت ها و نظریه پردازان جبهه دوم خرداد، با طرح تز «تند روی» و آماده نبودن «جامعه» برای تغییرات این چنینی (نگاه کنید به مصاحبه سعید حجاریان، در شماره آذرماه مجله «پیام امروز»)، جنبش را به سکوت، و در واقع، به سازش و تن دادن به خواست های ارتجاع حاکم دعوت می کنند. مدافعان تز «تند روی» روشن نمی کنند که در چه زمینه هایی «تند روی» صورت گرفته است و اینکه اصولاً ظرفیت

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه حزب توده ایران صدور احکام ...

زندان نامیده اند، در مقابل مجلس شورای اسلامی دست به تحصن زده و روزه سیاسی می گیرند. به گزارش روزنامه «دوران امروز»، پنجشنبه ۲۲ دی ماه، احمد زیدآبادی، روزنامه نگار زندانی، از زندان اوین به دادگاه قضایی کارکنان دولت منتقل شد تا آخرین تحقیقات در خصوص اتهامات او انجام گیرد. به گزارش همین روزنامه، برادر عزت ابراهیم نژاد، فرد کشته شده در حادثه کوی دانشگاه، با بیان اینکه با گذشت ۱۸ ماه از کشته شدن برادرش تاکنون هنوز ضاربان وی شناسایی و محاکمه نشده اند، گفت: «متأسفانه پس از مراجعه به قاضی مقدس در دادگاه انقلاب هیچ پاسخی نگرفتم.» هفته گذشته گنجی با ارسال نامه ای به خارج از زندان با اشاره به سخنان لاریجانی مبنی بر عضویت او در باند هاشمی و سپس فاسق خواندنش و سخنان باهنر مبنی بر محارب بودن او، نوشت: «شایعه ای توسط محافظه کاران، خلق و تکذیب می شود، تا اهداف فضا سازی های بالا را عملی سازد. ابتدا می گویند گنجی در زندان خودکشی کرده است و سپس خود آن خبر جعلی را تکذیب می کنند. پخش شایعه مذکور برای تست کردن عکس العمل های جامعه در مقابل خبر مرگ گنجی به صورت به اصطلاح خودکشی است. آنها می خواهند افکار عمومی را برای قتل از پیش طراحی شده گنجی آماده کنند.» به گزارش ایرنا، ۲۳ دی ماه، جنتی در نماز جمعه این هفته تهران خواستار حضور عناصر مومن (؟)، خداپاور و معتقد به مردم (!!!) در امور کشور شد و گفت: «تا وقتی که کار به دست صالحین نیفتد، همین آش و کاسه است.» در همین روز مصباح یزدی با سر هم بندی کلمات، به شیوه رذیله خور، با برده دانستن انسان ها و بندگی نزد خدا با حمله به نیروهای ملی مذهبی گفت: «شیاطین عصر و کسانی که به نام ملی - مذهبی و روشنفکران دینی کار را به آنجایی رسانده اند که می گویند این انسانی که به عنوان عبد می نامند، ناشی از فرهنگ حاکم در آن زمان است. این اباطیل در گفتارها و نوشتارهای این به اصطلاح ملی - مذهبی ها و روشنفکران دینی زیاد است. اینها حتی حاضر نیستند انسان را بنده خدا بدانند. روزنامه جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۲۱ دی ماه در سرمقاله خود پیشاپیش خبر قریب الوقوع خاتمه دادگاه مضحکه قتل های زنجیره ای را اعلام کرد و نوشت: «نکنه دوم که می تواند بسیار حساسیت برانگیز باشد، تکرار مطالب رسانه های بیگانه در باره پرونده قتل های زنجیره ای توسط برخی از عناصر داخلی است. از دشمنان خارجی توقعی جز این نمی توانیم داشته باشیم که به منافع ملی ما ضربه بزنند ولی کسانی که در این کشور زندگی می کنند و به طور طبیعی باید به حفظ امنیت ملی پایبندی نشان دهند، چرا دقیقا همان مطالبی را مطرح می کنند که از بیگانگان شنیده می شود؟»

روند آهسته و کاملاً حساب شده ای که توسط جناح حکومتی طرفدار سرکوب اتخاذ گردیده، هر روز نسبت به روز پیش ابعاد خطرناک خود را بر ضد جنبش مردمی بیشتر عیان می سازد. با اینکه شدت دستگیری ها و سرکوب ها در تمامی عرصه ها گسترش یافته، اما بیشتر رویدادهای خبری در داخل ایران که انعکاس آن بیشتر در روزنامه های حکومتیان طرفدار سرکوب و اصلاح می باشد معطوف به یک مسأله انحرافی گردیده است و این همانا شرکت کردن یا نکردن خانمی در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده است. با نگاهی به سر تیتر روزنامه ها، بخصوص روزنامه های جناح حکومتی طرفدار اصلاح این نکته به خوبی روشن می شود. ما با هشدار به تمامی نیروهای واقعی طرفدار اصلاحات و جنبش مردمی اعلام می کنیم عدم توجه و عدم مقابله با

نگاهی به رویدادهای ایران

در هفته ای که گذشت

سرکوب گری های روز افزون مرتجعین موضوع انتخابات ریاست جمهوری آینده را خود به خود کم اهمیت می کند. مهم ترین و اصلی ترین نیاز روز جامعه ما برخورد فعال با این اقدامات سرکوبگرانه است. ما از تمامی نیروهای انقلابی و مترقی می خواهیم با تمام نیرو به این نیاز عاجل روز جنبش پاسخ داده و مجدانه در این راه گام بردارند.

مبارزه با مواد مخدر یا کشتار بی حساب قربانیان ناهنجاری های اجتماعی

«متأسفانه ما در زمینه زندان ها نیز، فاصله زیادی با اصول اجتماعی و انسانی اسلام داریم. به نظر من در عرصه زندان، باید هم در مقوله نظری و هم در عرصه عمل، تحولاتی به وجود آید، زندانی یک انسان است و باید او را اصلاح کرد. زندان در نظام کیفری اسلام باید آخرین مجازات باشد. یک نفر که به زندان می رود، خانواده ای متلاشی می شود، در هر جرمی که زندان مشخص شده است، باید فکری هم برای زن و بچه آن زندانی بشود. ریشه بسیاری از جرائم زندانیان، فقر و عدم اشتغال، ناهنجاری های شهری و اجتماعی است. اگر در جامعه ای منکرات، ناامنی و ناهنجاری ها خودنمایی می کند، ریشه در عدم توجه به جهت گیری های نظام اسلامی در تدوین و اجرای مقررات دارد. ما باید از لایبای روایات و منابع اسلامی جهت و روح اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حکومتی اسلام را استخراج کنیم و لویج و طرح های قضایی و غیر قضایی را در راستای آن جهت گیری، تدوین و تصویب کنیم.» (از سخنان هاشمی شاهرودی، رئیس قوه قضاییه رژیم ولایت فقیه در جمع مسئولان قضایی در مشهد، ایرنا، ۳۱ مرداد ۱۳۷۹)

«در کنار برخوردهای سیاسی، فرهنگی با معضل مواد مخدر لازم است مجازات ها خیلی شدید و غلیظ باشد و این مجازات ها برای ایجاد هراس در باندها و گروه های قاچاق مواد مخدر و معتادان در ملاء عام به اجرا درآید. اینکه می گویند معتاد مجرم است یا بیمار، باید گفت، طبق قانون، معتاد مجرم است و مجازات معتاد با کسی که عضو باند مواد مخدر است تفاوت دارد. در حال حاضر حدود ۸۰۰ پرونده اعدامی مواد مخدر در کشور وجود دارد که در کمیته عفو مطرح بود ولی با عفو آنان موافقت نشده است. سیاست های کنونی قضایی در برخورد با مواد مخدر جوابگوی مقابله با این معضل نیست و باید در این سیاست ها تجدید نظر شود.» (از سخنان هاشمی شاهرودی در مراسم افتتاح اولین کارگاه علمی - کاربردی قضات دادگاه انقلاب در امر مبارزه با مواد مخدر، ایرنا، ۲۱ دی ماه ۷۹).

مقایسه این دو خبر از زبان یکی از مهره های حکومتی رژیم ولایت فقیه شاید نیاز به توضیح نداشته باشد. هاشمی شاهرودی باردیگر می خواهد با اجرای طرح های توخالی و دهان پرکن به اصطلاح به جنگ یکی از بزرگ ترین معضلات کنونی جامعه ما که اتفاقاً ریشه در ماهیت وجودی همین رژیم دارد، برود. غافل از آنکه چنین ترفندهایی برای توده های هوشیار و آگاه از قبل شناخته شده است. منتها در این میان انسان هایی که به علت فقر و دیگر گرفتاری های اجتماعی در میهن مان پا در این عرصه خطرناک و مدحش گذاشته اند باید قربانی سیاست های تبلیغی رژیم گردند. هاشمی شاهرودی در حالی که مزورانه در سخنان ۵ ماه پیش

خود حتی مجازات زندان را زیاد می داند، امروز وقیحانه خواستار مجازات اعدام معتادان و قاچاق چیان مواد مخدر آن هم در ملاء عام می گردد. شهربانو امانی پور گوشه یی از پرده استتار عوام فریبی را بالا می زند و می گوید: «یکی دو سال است اش آنقدر شور شده که آسبز هم صدایش درآمده. ما اول انقلاب فکر می کردیم که روزی یک اشرف بود، هرویین طلایی را انحصاراً وارد می کرد و چون اشرف رفت هرویین هم دیگر تمام شد. فکر کردیم که قاچاق چی هم با اشرف رفته است و از طرفی آمدیم بیمارستان هایی را که در ارتباط با درمان معتادان فعال بود تعطیل کردیم و معتاد را بدون اینکه بدانیم چطور مشکلیش را می خواهیم حل کنیم، در جامعه رهائش کردیم. مدعوین در روز ۵ تیر که روز امحای مواد مخدر است می گویند یک مقدار بلایش مواد مخدر است و زیر آن اشغال است. وقتی مواد مخدر در جایی کشف می شود چرا به تهران منتقل می شود؟ چرا همان جا جلوی چشم مردم منطقه از بین نمی رود که میزان اعتماد مردم را بالا ببرند؟» (روزنامه ایران، چهارشنبه ۲۹ تیر ماه)

سهیلا جلودارزاده نماینده مجلس نیز گفت: «امروز از هر میدان و پارکی که عبور می کنیم، متأسفانه آشکارا شاهد خرید و فروش مواد مخدر هستیم و معلوم نیست این بودجه های چهل میلیاردی که به امر مبارزه با مواد مخدر اختصاص داده شده است صرف چه کارهایی می شود.» (ایسنا، شنبه ۲۸ خرداد ۷۹) رژیم ولایت فقیه برای تخفیف فشار افکار عمومی با قربانی کردن انسان های بی گناه، قصد دارد به افکار عمومی این طور وانمود کند که مبارزه جدی را با مواد مخدر آغاز کرده است، در حالی که سخنان دو تن از نمایندگان کنونی مجلس به خوبی نشان می دهد که توزیع مواد مخدر ریشه در ارگان های وابسته حکومتی دارد.

تاملی بر یک خبر

ایسنا، خبرگزاری وابسته به جناح حکومتی طرفدار اصلاحات، جمعه ۲۳ دی ماه خبر داد: «پس از به رشته تحریر در آمدن قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، بنیامین فرانکلین رئیس جمهور این کشور به همین مناسبت طی سخنانی به شهروندان آمریکایی از خبثت یهودیان و خطر آنان برای آمریکا هشدار داد. به گزارش سرویس بین الملل ایسنا متن سخنان نامبرده در خصوص خطر یهودیان بدین شرح بوده است: «خطر بزرگی متوجه ایالات متحده آمریکا است و این خطر یهودیان هستند. آقبایان، یهودیان در هر جا و مکانی که مستقر شوند، آن مکان به لحاظ اخلاقی و

ادامه جنبش خلق کرد، بخش جدا ناپذیری از ...

جنبش آزادی بخش ملی کرد نقطه پایان نهاد و نمایندگان خلق را در صف مقدم مبارزه وارد ساخت:

۳. جنبش ۲ بهمن، دستگاه حکومت ارتجاعی و نیز سلطه امپریالیسم را در بخش مهمی از کردستان برچید و به جای آن نهادهای حکومت ملی و متکی بر اراده مردم پدید آورد:

۴. حکومت ملی و خود مختار کردستان ایران تحت رهبری حزب دموکرات کردستان ایران، در داخل کشور بر حزب توده ایران، جنبش ۲۱ آذر آذربایجان و دیگر نیروهای ملی و مترقی ایران تکیه داشت و در خارج از سوی جنبش های آزادی بخش و انقلابی، کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست و کارگری مورد پشتیبانی و حمایت قرار می گرفت:

۵. جنبش ۲ بهمن، مساله ملی خلق کرد ایران را همچون جزئی از جنبش سراسری ایران و تابعی از این جنبش مطرح، و در چارچوب منافع عمده این جنبش سراسری پیکار می کرد، بدین ترتیب از سویی به مبارزه سراسری نیرو می بخشید و از دیگر سو از آن نیرو گرفت و تقویت می شد:

۶. و سرانجام اینکه، جنبش ۲ بهمن و حکومت ملی کردستان به برنامه ای دموکراتیک مجهز بودند که اجرای آن با توجه به شرایط و امکانات مشخص تاریخی، زندگی توده های زحمت کش را دستخوش تغییر کرد و نتایج ملموس و فراموش ناشدنی به یادگار گذاشت.

بطور کلی باید تاکید کرد، جنبش ۲ بهمن اصل بنیادین و عام رشد انقلابی و شاهراه اصلی جنبش خلق کرد را مشخص کرده است. درست بر پایه این اصل بنیادین و عام است که باید به مساله ملی در کردستان ایران پرداخت و در راه تامین حقوق مردم کرد مبارزه کرد.

حزب دموکرات کردستان ایران، با توجه به اوضاع بغرنج ایران و رشد گسترش جنبش سراسری و دموکراتیک مردم ایران، با اتخاذ سیاست هایی که مبتنی بر روح و سنن جنبش ۲ بهمن است، نشان داده است که در مرحله کنونی و در شرایط بسیار دشوار حاضر نیز، جنبش ملی کردستان ایران از خود هوشیاری، اصولیت و پختگی بروز می دهد. این مواضع، دستاوردی ارزنده و فوق العاده پر اهمیت در مرحله کنونی به شمار می آید. در این زمینه، شعارهای پیشنهادی برای دوازدهمین کنگره حزب دموکرات کردستان ایران، شایان دقت و توجه است. نشریه «کوردستان»، ارگانه کمیته مرکزی این حزب، در شماره ۲۹۶، به تاریخ ۱۵ آبان ماه ۱۳۷۹، در مطلبی تحت عنوان: «به سوی کنگره دوازدهم حزب، شعار کنگره» از جمله می نویسد: «کمیته تدارکاتی کنگره دوازدهم حزب پیشاپیش شعارهایی چند را برای کنگره آماده و پیشنهاد نموده است. کنگره دوازدهم حزب در پرتو این شعار تشکیل خواهد گردید. در تعمیق و گسترش جنبش آزادی خواهانه ایران و در تحکیم هر چه بیشتر همبستگی میان جنبش کرد و جنبش سراسری بکوشیم.»

چنین مواضع اصولی و انقلابی بی از سوی رفقای حزب دموکرات کردستان ایران از آن رو حائز اهمیت فراوان است که امروزه در میهن ما، مساله ملی ابعاد گسترده یافته و در مناطق کردنشین و نیز آذربایجان موضوعی مطرح و حاد است. مساله آن چنان جدی است که، وزیر اطلاعات رژیم، یونسی، صراحتاً یادآور می شود: «فرمانداران سراسر کشور باید مظهر وحدت ملی باشند، زیرا هیچ چیز توجیه کننده تشدید اختلافات قومی نیست. تشدید قوم گرایی در برخی مناطق محکوم است» (اطلاعات اول آذر ماه ۱۳۷۹). و یا علی خامنه ای، طی سفر خود به اردبیل با حمله به حزب ما برای مردم این استان خط و نشان کشیده و در دفاع از اوباش مزدور شاه و فئودال ها که جنبش ۲۱ آذر را به خون کشیدند، می گوید: «مردم (بخوان فئودال ها و نوکران امپریالیسم) در مقابل مفسدین داخلی و دموکرات های بی وطن (بخوان میهن پرست) ایستادند» (اطلاعات بین المللی ۵ مرداد ماه ۱۳۷۹). همه این گونه موضع گیری های خشم آلود و کینه توزانه، گویای حاد شدن مساله ملی است. از همین روست که باید یادآور شد: شعارهای کنگره دوازدهم حزب دموکرات کردستان ایران، حائز ارزش جدی و اصولی است.

مساله ملی یک واقعیت انکار ناپذیر در میهن ماست و ارایه راه حل برای آن و نیز پیوند زدن جنبش خلق ها به جنبش سراسری اولویتی غیر قابل چشم پوشی است. تحکیم هر چه بیشتر همبستگی میان جنبش کرد و جنبش سراسری توانایی و امکانات جنبش سراسری و دموکراتیک مردم ایران را تقویت کرده، و قدرت مانور آن را در برابر ارتجاع حاکم به نحو محسوسی افزایش می دهد. این امر به معنای آن است که جنبش خلق طلبانه خلق های ایران به مثابه بخشی از جنبش سراسری، در

کنار جنبش کارگری، جنبش زنان و جنبش دانشجویان و جوانان، گردان اصیل و نیرومند در مبارزه برضد ارتجاع و استبداد، و در طرد رژیم ولایت فقیه خواهد بود. باید تلاش ورزید، جنبش خلق ها، جنبش ملی خلق های ایران جایگاه شایسته و در خور خویش را در جنبش سراسری بازیابند و به شعارهای واقع بینانه و اصولی مجهز گردند. تحکیم موقعیت جنبش خلق های ایران به تقویت جنبش مردمی در راه طرد رژیم ولایت فقیه می انجامد، و چشم اندازهای نوینی را در مبارزه با استبداد می گشاید. این دیدگاه و شعار اصولی «تعمیق و گسترش جنبش آزادی خواهانه ایران و، در تحکیم هر چه بیشتر همبستگی میان جنبش کرد و جنبش سراسری بکوشیم»، که از سوی حزب دموکرات کردستان ایران طرح شده است، اقدامی ارزنده، با پیامدهای ژرف در راستای پیوند زدن جنبش ملی خلق های ایران با جنبش سراسری و دموکراتیک مردم ایران است.

حزب ما، این مواضع را گامی بسیار پر اهمیت و پر ارزش در شرایط کنونی ارزیابی می کند، و از هر گونه اقدامی در این راستا و در این چارچوب بگرمی و با جدیت استقبال می کند و به سهم خود در این زمینه خواهد کوشید. حزب توده ایران همواره تاکید کرده است که، هر گونه تحول و تغییر بنیادین، بدون حل مساله ملی و تامین حقوق خلق های ایران در چارچوب کشور واحد ایران، امکان پذیر نیست و نخواهد بود. حزب توده ایران به گواهی تاریخ آن، در موضع دفاع قاطعانه از حقوق خلق های ایران بوده است و خواهد بود. در این خصوص، حزب ما بر این واقعیت نیز انگشت گذاشته است که، بدون ایجاد و تشکیل یک جبهه واحد از کلیه نیروهای مدافع آزادی و عدالت اجتماعی، یعنی نیروهای مترقی و آزادی خواه و انقلابی، نمی توان سد استبداد را شکست. باید به دور از پیش داوری، دست در دست یکدیگر، برای ژرفش و گسترش جنبش آزادی خواهانه و انقلابی سراسری مردم، که شامل همه خلق های ایران می شود، کوشش کرد.

کوتاه سخن: جنبش ۲ بهمن از صفحات زرین پیکار خلق های ایران است. تجربیات، دستاوردها و سنن این جنبش، حاوی درس های گرانبهائی است که توجه به آنها در شرایط حاضر بویژه ضروری است. در سالگرد جنبش ۲ بهمن و حکومت ملی و خود مختار کردستان ایران به خاطره مبارزان شریف آن درود می فرستیم. نسل های امروز و فردای ایران با حق شناسی از چهره هایی مانند قاضی محمد، سیف قاضی، صدر قاضی، شیرزاد، فاروقی، نقده ای، عزیز یوسفی، علی گلایز، حسن فرجی، عبدالرحمن قاسمو، شرفکندی و ده ها و صدها مبارز دیگر یاد خواهند کرد.

ادامه نگاهی به رویدادهای ایران ...

معنوی منحنی و مبادلات و داد و ستد تجاری به شکل نادرست و غیر شرافتمندانه صورت می گیرد. یهودیان همچنان در محیط های بسته خود به سر می برند و در داد و ستد به مردم اجحاف و ستم روا می دارند و می کوشند، تجربه خود را در کشورهای پرتغال و اسپانیا تکرار کنند و منابع مالی را در دست گرفته و عرصه را بر دولت تنگ سازند. آقایان اگر چنانچه یهودیان به موجب قانون اساسی از ایالات متحده آمریکا طرد نشوند ظرف یکصد سال آتی فوج فوج و به تعداد بیشتری به کشور ما سرازیر خواهند شد و کار به جایی خواهد رسید که آنها (یهود) کشورمان و هر آنچه را که ما آمریکاییان به خاطرشان جان و مال خود را نثار کردیم، قبضه خواهند کرد و بر ما حکم رانده، شکل و نوع دولت و حکومت را تغییر خواهند داد. آقایان من به شما هشدار می دهم، اگر چنانچه یهودیان را برای همیشه از آمریکا بیرون نرانید، بدانید که فرزندان و نوادگانتان شما را در گور لعنت و نفرین خواهند کرد.»

چنین خبری و بدون هیچ گونه توضیحی از طرف یک خبرگزاری که داعیه اصلاح طلبی و حمایت از گفتگوی تمدن ها را می کند آن هم بدون هیچ پیش زمینه قبلی چگونه می توان تفسیر کرد؟ یک خبر سراسر نژاد پرستانه در غالب یک نقل قول از یک شخصیت سیاسی در زمانی خیلی دور بر اساس چه معیارهایی قابل سنجش است؟ رژیم ولایت فقیه از بدو تاسیس تاکنون با فشار به هموطنان غیر شیعه در کشور تاکنون زبان های جبران ناپذیری را به منافع ملی وارد آورده است که در این میان اذیت کلیمیان کشور از این قاعده مستثنی نبوده است. طرح چنین خبرهایی تداعی کننده دوران فاشیسم هیتلری است. حزب توده ایران از بدو تاسیس تاکنون به مبارزه با چنین تفکرات ارتجاعی پرداخته است. نقش حزب توده ایران در افشای ماهیت فاشیسم هیتلری که یهودی ستیزی یکی از جنبه های آن بود صفحه درخشانی است بر نزدیک به شصت سال فعالیت در راه آرمان های انسانی.

آزادی برای همه زندانیان
سیاسی ایران!

گزارشی از هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران

شانزدهمین کنگره حزب کمونیست پرتغال دموکراسی و سوسیالیسم پروژه یی برای قرن بیستم و یکم



شانزدهمین کنگره حزب کمونیست پرتغال، از ۱۸ تا ۲۰ آذرماه (هشتم تا دهم دسامبر) با شرکت ۱۶۰۰ نماینده از سازمانهای حزبی و با حضور عده کثیری از مهمانان داخلی از سازمانهای توده ای، سندیکاها، کارگران، روزنامه نگاران و شخصیت های اجتماعی تشکیل شد. نمایندگان ۶۷ حزب کمونیست کارگری، سازمانهای مترقی و جنبش های آزادی بخش ملی مهمانان خارجی کنگره بودند. نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران به دعوت حزب برادر در کنگره ۱۶ حزب کمونیست پرتغال شرکت کرد. کنگره با سرود انترناسیونال آغاز به کار کرد. به هنگام اعلام اسامی مهمانان خارجی حتی یک لحظه هم صدای کف زدن ها، به عنوان نشانه بی از همبستگی انترناسیونالیستی، توسط حاضرین در کنگره که پیا خاسته بودند، قطع نمی شد. سپس رفیق کارلوس کاروالهاسی، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال، گزارش خود را به کنگره ارائه داد. رفیق کاروالهاسی به اطلاع کنگره رساند که، رفیق آلواروکونیل، دبیر کل پیشین و از چهره های برجسته جنبش کمونیستی جهان، به علت بیماری نتوانست در کنگره حضور یابد (پیام او در میان ابراز احساسات گرم حاضرین قرائت شد).

رفیق کاروالهاس، پس از تشکر از شرکت مهمانان خارجی و داخلی، گزارش رهبری حزب را به کنگره ارائه داد. دبیر کل حزب برادر در آغاز گزارش خود به اطلاع رساند: «کمونیست های پرتغال پس از یک کار فشرده تدارکاتی یک ساله و سپس تمدید مدت آن، کنگره خویش را با عزمی راسخ و با اطمینان به آنکه حزب کمونیست پرتغال به مسئولیت هایش در قبال کارگران و خلق احترام خواهد گذاشت، برگزار می کنند. شیوه تدارک کنگره و کوششی که به عمل آورده ایم بطور بسیار معنا داری با سایر احزاب متفاوت است.» رفیق کاروالهاس پس از پرداختن به مسائل داخلی پرتغال و وظایف و برنامه های حزب در زمینه های مختلف به سایر مسائل و از آن جمله به مسائل بین المللی پرداخت که بخش هایی از آن برای اطلاع خوانندگان «نامه مردم» در ادامه آورده می شود.

اوضاع بین المللی و مبارزه برای ت غییرات اجتماعی در آستانه قرن ۲۱

«در بررسی سیر تحولات جهان و تجزیه و تحلیل اوضاع بین المللی تضادها، محرومیت ها و تضیقات اجتماعی (برای اکثریت مردم) در کنار رفاه، ثروت و تجمل خودنمایانه، پیشرفت های درخشان فن آوری از یک سو، و فقر شدیدی که میلیونها انسان در آن بسر می برند از سوی دیگر، محکومیت سیستمی که بر اساس استثمار و سلطه گری بنا شده، و لزوم مبارزه برای یک جامعه عادلانه تر و اخوت آمیزتر، بر پایه تعمیق مداوم دموکراسی در تمامی زمینه های، و آزاد از هرگونه ستم سرمایه داری، یعنی سوسیالیسم، در یک طرح نو سازی شده، بیش از پیش درک می شود.

رفیق کاروالهاس، در انتقاد از تمرکز بیش از پیش ثروت و رشد نابرابری گفت: «گزارش های سالیانه سازمان ملل درباره توسعه، ادعا نامه روشنی است بر ضد سیستم سرمایه داری و شکل مسلط آن یعنی نولیبرالیسم. در گردهمایی اخیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی که در ماه مهر (سپتامبر) در پراگ برگزار شد، طبق معمول گزارش کوتاهی هم درباره فقر و نابرابری های فزاینده ارائه گردید. رئیس بانک جهانی در عکس العمل خود در مقابل تظاهرات عظیمی که بر ضد نهاد های سرمایه داری در خارج از محل برگزاری اجلاس در حال جریان بود، مجبور شد اعتراف کند که در حال حاضر بیست درصد جمعیت جهان، هشتاد درصد کل اقتصاد جهان را در دست دارند و در ده سال اخیر در آمد آنها ده برابر شده است. اگر ما در مورد این اعداد و ارقام موشکافی بیشتر نکنیم، خواهیم دید که در ارتباط با این بیست درصد نیز فقط درصد کوچکی تری از میان آنان بیشترین ثروت و موجودی جوامع مختلف را به نفع خود متمرکز کرده اند. در حالیکه نابرابری ها در همین مدت رشد بیشتری داشته است. یک درصد از آمریکا بی ها ۳۸ درصد

از ثروت ملی را در اختیار دارند در حالیکه ۸۰ درصد از مردم آمریکا فقط ۱۷ درصد ثروت را دارا هستند. تمرکز و تجمع فزاینده سرمایه در سطح جهان با پی آمد قطبی شدن ثروت کاملاً مشهود است، همچنانکه همراه بودن انباشت سرمایه و استثمار کارگران نیز بمثابة دو روند بهم پیوسته و غیر قابل تفکیک عیان است. ما در مرحله بی هستیم که اعلام بیکار کردن دستجمعی کارمندان توسط شرکت های چندملیتی، پیدایش فکر سود بخشی بیشتر، به دنبال خود سریعا افزایش ارزش سهام را بهمراه دارد. روند حاکم عبارتست از: سود جویی و ثروت اندوزی در حداکثر ممکن و این حد اعلا نابخردی است.»

تهاجم ایدئولوژیک!

«اگر این روزها مشاهده بی عدالتی، تضاد و نابخردی ها، امری است اجتناب ناپذیر، این نیز واقعیتی است که کم نیستند آن ایدئولوگ های بورژوازی که در توجیه چنین پیامد هایی (بی عدالتی، تضاد) از یک سو می کوشند نشان دهند که در مقابل سرمایه داری جانشین دیگری وجود ندارد و (اینکه پایان تاریخ است و سرمایه داری مرحله نهایی توسعه و تکامل است)، واز سوی دیگر سعی دارند نشان دهند که این گونه پیامد ها (بی عدالتی ها، تضاد ها...) ناشی از خود سیستم نیست بلکه نتیجه پاره بی از کم توجهی ها و قصوری است که به خود سیستم ارتباطی ندارد. در حقیقت با منته کردن روز افزون بخش هایی از حاکمیت کشورهایی که دارای اقتصاد ضعیف تری هستند، و از طریق خریدن به ثمن بخش ویا جذب سودبخش ترین عرصه های فعالیت ملی این کشورها، بطور روز افزونی این کشورها وابسته به سرمایه بیگانه می شوند. این امر نیز به نوبه خود لغو قوانین و مقررات (در عرصه های تولیدی و کمرکات)، تعدیل دستمزدها، از بین بردن حقوق و دست آوردهای اجتماعی و حمایت روزافزون دولت ها را هرچه بیشتر طلب می کند. و همه اینها بنام رقابت انجام می گیرد و کلا بر روی کاهش ارزش نیروی کار پایه گذاری شده است. آنها دولت ها را به رقابتی در رابطه با سطح سود آوری و اقدامات حمایتی به نفع خودشان (فراملیتی) وادار می کنند. این یک حراج واقعی است! اگر حمایت از سرمایه و سود های حاصله کافی نباشد، دیگر سرمایه گذاری صورت نمی گیرد و یا سرمایه بسمت یک «فعالیت اقتصادی سودآورتر» تغییر مکان می دهد.

با چنین فشار و تضیقاتی و با چنین باج گیری هایی، سرمایه همواره در جهت از بین بردن دستاوردها و امتیازات اجتماعی و هم سطح کردن این دستاوردها و امتیازات با نازلترین استانداردها، یعنی با استانداردهای ممالکی که قوانین اجتماعی ضعیف تر و سطح دستمزدها نازل تری دارند، حرکت می کند.

اما این تهاجم که غالباً در پوششی از تبلیغات شدید ایدئولوژیک است، با مقاومت، مقابله و مبارزات کارگران، اتحادیه های کارگری، جنبش های توده ای و همچنین نیروهای مترقی و انقلابی مواجه می شود.

ما اهمیت اطلاعات و ارتباطات تکنولوژیک (ICT) و همچنین نوآوریها را انکار نمی کنیم و یا این طور نیست که این اطلاعات که در بسیاری از زمینه ها جنبه راهگشایانه دارند مورد قبول، نباشد. بلکه آنچه که ما مشاهده می کنیم باز هم بر می گردد به وارونه جلوه دادن حقیقت و جا بجا کردن علت و معلول. آنان ادعا می کنند که این سرمایه داری است که سبب پیشرفت تکنولوژی است و نه تکنولوژی که مورد بهره برداری سرمایه داری قرار گرفته است. آنان می کوشند تا مناسبات اجتماعی را نادیده بگیرند، تناقض و تضاد آن را شیوه تولید سرمایه داری

ادامه شانزدهمین کنگره حزب کمونیست پرتغال ...

انکار کنند. حتی آنان که پیش گویی می کنند که تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات محورهای سیستم انباشت سرمایه خواهد بود، اعتراف می کنند که زمینه های محکمی برای تئوری خود ندارند و تاکید می کنند که ابزارهای جدید مالی و تکنولوژیک جدید به سفته بازی ... میدان داده است.

حقایق و دگرگونی هایی که در بسط سرمایه داری با گردش آزاد سرمایه تسهیل و با تکنولوژی جدید تغذیه شده است، سیمای جدید استثمار و سلطه گری، دگرگونی در «حاکمیت ملی»، اقتدار سرمایه داری در کل، فساد، قاچاق و شبکه های جنایات سازمان یافته، تحلیل های عمیق و پژوهش هایی را از طریق همکاری نیروهای مختلف انقلابی و پیشرو طلب می کند. همکاری ای که بیشتر و بیشتر نیازمند بر افکندن ماسک از آن خطوط ایدئولوژیک است که می کوشد جهانی کردن سرمایه داری، را به مثابه سیستمی اجتناب ناپذیر و بدون جانشین بقولاند و سرمایه داری بی اعتبار و بدنام را با چهره ای تازه، «یک چهره انسانی» معرفی نماید. تلاش برای ستردن فضاقت از چهره سرمایه داری بوسیله عده بی که آن را به نام سرمایه داری باصطلاح خلقی همچون «سرمایه داری سهام داران» یا «سرمایه داری سهامداری» غسل تعمید داده اند و برای آن تئوری بافی شده است. مجدداً به اشکال مختلف و اسامی مختلف به جریان افتاده است.

محور اساسی این تئوری، «کارگر سهامدار»، همچون ابزاری از «قراردادهای اجتماعی نوین» است. هدف آن است که کارگران را با در باغ سبزه نشان دادن از جذابیت یک در آمداضافی و «صحبت» از تقسیم عادلانه تر ثروت تولید شده، بیش از پیش به «کمیانی» وابسته سازند و به آنها بیاوراند که آینده دلپذیری به آنها تعلق خواهد گرفت. این پروژه بی است برای مستحیل ساختن کارگران در سود آوریهای مالی و در اقتصاد قمارخانه ای سرمایه داری، که از طریق وادار کردن کارگران به تثبیت به اعتبارتسهیل می شود. هدف روشن است: اگر مشارکت در سرمایه هست پس خطر به هزینه کارگر نیز باید باشد.

در آستانه هزاره سوم، تضادهای موجود: میان امکاناتی که با پیشرفت علم برای توسعه نیروهای مولد ایجاد شده از یک سو ... و وضعیت نامطلوب زندگی بخش وسیعی از انسان ها (در آمریکای لاتین، آفریقا، اکثریت کشورهای جهان سوم)، مسابقه تسلیحاتی، بلیه مواد مخدر، ایدز، تهدید سلامت تمام هستی بشری از سوی دیگر، کوشش و همکاری جمعی و فزاینده و تنگاتنگ و نیز عمل هم آهنگ همه کمونیست ها و نیروهای مترقی را، به طرق مختلف برای بشریت طلب می کند.

ما نمی توانیم به اینکه هنوز اثر منفی بر تغییر توازن نیروها و توان جاذبه پروژه برای جامعه نوین، که بی آمد شکست سوسیالیسم در اروپای شرقی که خود محصول تحریف ها، اشتباهات، انحرافات و جایگزین کردن فعالیت سیاسی با اقدامات سرکوبگرانه، اتخاذ مشی ها و اقداماتی که به «مدلی» انجامید که با ایده های کمونیستی منطبق نبوده و نیست، بود ادامه دارد، کم بها دهیم.

فروپاشی اتحاد شوروی و سیستم جهانی سوسیالیسم، با دگرگون کردن عمیق توازن نیروهای جهانی بازارهای تازه ای را برای بسط سرمایه داری گشود و راه را برای تهاجم تازه امپریالیسم هموار کرد. «جهانی شدن» اقتصاد سرمایه داری که صفت مشخصه و مسلط این عصر است با یک سری از پروژه های استراتژیک «امنیتی» که می تواند «نظم نوین» را با قدرت اسلحه تضمین کند، تکمیل شده است. جنگ تجاوز کارانه علیه یوگسلاوی، نمونه روشنی از روند نظامی کردن و تجاوز کاری و همچنین بهانه ای بود که توسط ایالات متحده که برای انطباق سریع برداشت مفهوم استراتژیک تازه از ناتو، بکار گرفته شد. بسط منطقه عمل مداخله گرانه ناتو و تهدید صریح در باره مداخلات تجاوز گرانه اش برای تحمیل یک «نظم نوین» در جهت تسهیل سیاست بهره کشی و تعدی و ستم سرمایه های بزرگ عمل می کند. در این چهارچوب است که ایدئولوژی «جهانی شدن»، ایدئولوژی «فکر واحد» که بر پایه نئولیبرالیسم (خصوصی سازی، بی دولتی LESS STALE، رقابت، سیستم مبادلات آزاد، لغو مقررات) بنا شده به مثابه طریقی که می تواند معضلات و مشکلات توسعه و پیشرفت هر کشور و نیز کل بشریت را حل کند، ارائه می شود.

همبستگی متقابل

درچارچوب چنین برآورد و سنجش نیروهایی است که فعالیت و مبارزه کارگران و خلقها، برای دنیای انسانی تر و عادلانه تر می باید سازمان داده شود و این که از خلال چنین سنجشی از نیروهاست که مبارزه و مقاومت کارگران، خلق ها و نیروهای انقلابی و مترقی در طلب تجمع نیروها برای دفاع از دست آوردها و حق حاکمیت مانند مورد کوبا، و یا حتی کسب پیروزی های مهم، مانند مورد تیمور شرقی بر علیه اشغالگران اندونزی، باید انجام پذیرد. شانزدهمین کنگره ما همچنین بیان همکاری، همبستگی متقابل با احزاب کمونیست و نیروهای مترقی، کارگران و جنبش طبقه کارگر که ما برای آن ها آرزوی موفقیت داریم، می باشد. کنگره ما درودهای برادرانه خویش به هیئت های نمایندگی خارجی حاضر، ابراز می دارد. این بر عهده کمونیست ها و انقلابیون است که ابعاد بین المللی و انترناسیونالیستی فعالیت های خویش را گسترش دهند و در جستجوی فعالیت های مشترک و مرتبط با هم در حول هدفهای مبارزاتی مشخص و نیز همچنین در عرصه مبارزه عمومی تر علیه «جهانی شدن» استثمار و فقر که به کمک تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات و تحت فرمان شرکتهای فراملیتی پیش می رود، اشتراک مساعی بکنند. این واقعیتی است که سرمایه داری هنوز هم ظرفیت قابل ملاحظه ای از انطباق با شرایط و خود

حضور نماینده حزب توده ایران در کنگره کمونیست های اتریش

سی و یکمین کنگره حزب کمونیست اتریش، در روزهای ۱۸ و ۱۹ آذرماه (۸ و ۹ ماه دسامبر) در شهر وین برگزار گردید. شمار قابل توجه نمایندگان جوان گسیل شده به کنگره، در کنار رفقای میان سال و سالخورده حزبی، جلب توجه می کرد که این خود نشان از حضور حزبی ریشه دار و زنده در حیات اجتماعی و سیاسی این کشور داشت. کنگره کار رسمی خود را ابتدا با نمایش فیلمی مستند از تظاهرات و مقاومت مردم در سال گذشته بر ضد روی کار آمدن دولت جدید ارتجاعی اتریش که به ویژه شرکت «حزب آزادیخواهان» در آن انعکاس وسیعی در محافل جهانی پیدا کرد، آغاز شد و پس از آن توسط رفیق «شتیف زون»، معاون صدر حزب به نمایندگان شرکت کننده مهمان از جمله حزب ما خوش آمد گفت.

رفیق «والتر بایر»، صدر حزب کمونیست اتریش، در سخنرانی خود درباره وضعیت فعلی کشور و حزب، از جمله چنین گفت: «دولت درصداست برای عملی کردن بودجه سال آینده، ۷۷ ماده قانونی را تغییر دهد که تمامی این تغییرات، نتایج بسیار منفی برای زنان، دانشجویان، بیکاران و افراد مسن با خود به همراه خواهد داشت. بر این بودجه می توان نام «بودجه ظالمانه» را نهاد. تظاهرات چند روز پیش، که به سازماندهی سندیکا برگزار گردید و در آن ده ها هزار نفر شرکت نمودند و همچنین تظاهرات ماه نوامبر و دیگر تظاهرات ماه های اخیر، همه و همه نشانگر کیفیت نوینی است که در کشور و حیات اجتماعی آن پدیدار گشته است. ولی متأسفانه از سوی دیگر می بایست گفت که، دولت توانسته است در ماه های اخیر علیرغم اعتراض شدید مردم تا حدی موقعیت خود را تثبیت کند. سیاست نولیبرالی در اتریش، از روز ۴ فوریه (زمان بر سر کار آمدن دولت جدید) خلق نشده است. سیاست خصوصی سازی از سالهای ۸۰ آغاز گشته است. ولی رسالت دولت جدید را می توان در کامل کردن و به انتها رساندن این سیاست دید. سرمایه داری در ۱۳ سال گذشته در اتریش غارت کرده است. بیش از ۷۰ درصد از صنایع اتریش در دست کنسرن های خارجی است. نیمی از صنایع اتریش در اختیار آلمانی هاست. سیاست نولیبرالی سرمایه داری چیزی جز نابودی تأمین اجتماعی و تبدیل بهداشت عمومی به «بازار بهداشت» و «آموزش عمومی» به «بازار آموزش» نیست گذشته از آن نولیبرالیسم به معنای دیگرگونه فکر کردن و عمل کردن نیز هست. آری سیاست نولیبرالی یک پدیده فرهنگی نیز است. نولیبرالیسم، به معنای عملکرد هر چه رادیکال تر سرمایه داری است. سرمایه داری بزرگ در اتریش، و در جهان، خواهان پیاده کردن این سیاست اند. در اتریش، دولت در صدد تقسیم مجدد پول، قدرت و دسترسی به اطلاعات است... دولتی که از ائتلاف با «حزب آزادیخواهان» شکل گرفته است چه خصلتی دارد؟ این حزب یک حزب نولیبرال و نژاد پرست است. اما این مشکل اتحادیه اروپا نیز هست. نولیبرالیسم نمی تواند جوابی علیه نژاد پرستی باشد، چرا که خود بخشی از مسأله و همچنین زمینه ساز آن است». رفیق بایرپس در مورد وضعیت حزب از جمله چنین گفت: «از سال ۹۴ تا ۹۹، در تمامی انتخاباتی که صورت گرفته است، به تعداد رای دهندگان ما افزوده شده است. ۱۵ هزار نفر از رای دهندگان جدید به حزب ما، جوانان هستند. ما در گراتس (دومین شهر بزرگ اتریش) در شهرداری شرکت داریم و سازمان دانشجویان حزب در سال ۹۹ توانست به بهترین نتیجه انتخاباتی خود از بدو تاسیس دست یابد.» سخنران بعدی رفیق «هایدی امبروش» مسئول شعبه زنان بود که سخنان خود را با عبارتی از روزا لوکزامبورگ آغاز کرد و چنین گفت: «سوسیالیسم یا بر بریت؟ در اتریش ۹۰ درصد از شاغلین که به کار موقت مشغولند، زنانند. اختلاف در آمد میان زنان و مردان بیشتر شده است. ۱/۵ میلیون نفر در زیر خط فقر و با روی آن زندگی می کنند. ۷۰ درصد آنان را زنان تشکیل می دهند. هر بودجه ای جنسیت دارد. از جمله بودجه پیشنهادی دولت به

ادامه تئوری بافی درباره «تند روی» ...

شماری قاتل و جنایتکار حرفه ای، در شمایل مسئولان وزارت اطلاعات و فقهای مدافع «دوب در ولایت» آزاد باشند فتوای قتل دگراندیشان را صادر و اجراء کنند و آن وقت در پناه امنیت «قوه قضائیه» به اعمال خود ادامه دهند ولی وکلای مدافع خانواده های مقتولین و قربانیان جنایات به زندان افکنده شوند؟ آیا منظور شماری از مشاورین آقای خاتمی درباره ضرورت بازبینی شعارها و خواست های جنبش چیزی جز تن دادن به خواست «ولی فقیه» و ارتجاع حاکم برای پایین کشیدن فتیله و تلاش واحد برای «حفظ نظام» است؟

پاسخ این سئوالات و ده ها سؤال دیگر، که ذهن مردم در این روزها به خود مشغول کرده است، از آن جهت حائز اهمیت است که میهن ما به سمت یک انتخابات مهم دیگر می رود. انتخاباتی که می تواند بی برنامهگی و یا مماشات و تسلیم شدن در آن پیروزی بزرگی برای ارتجاع حاکم و ضربه هولناکی به جنبش اصلاح طلبی باشد. به گزارش روزنامه «دوران ما»، شماری از شخصیت های سیاسی - اجتماعی کشور، از جمله دکتر پیمان، در یک نشست مطبوعاتی، ضمن ابراز نگرانی از بحران کنونی از مماشات و بی عملی رهبری جبهه دوم خرداد و شخص خاتمی انتقاد کردند.

اما واقعیت پنهان در پشت طرح تر «تند روی» چیست؟ جنبش مردمی و نیروهای اجتماعی شرکت کننده در جنبش اصلاح طلبی و همچنین، بخش های وسیعی از نیروها و شخصیت های اجتماعی شرکت کننده در جبهه دوم خرداد، در طی چهار سال گذشته با تجربه ملموس، و غیر قابل انکار خود دریافته اند که برخلاف شعارها، برداشت ها و نظرات بخش های مهمی از رهبری جبهه دوم خرداد (و شماری از نیروهای راست گرای اپوزیسیون)، توسعه سیاسی و تحقق آزادی و حقوق دموکراتیک در میهن ما باوجود ادامه رژیم «ولایت فقیه» و تمرکز قدرت سیاسی در دست مشتکی مرتجع واپس گرا امکان پذیر نیست. استفاد از قوه قضائیه، دستگاه های سرکوب و نهاد «ولایت»، به عنوان مرکز اساسی تصمیم گیری کلان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور بر فراز قانون اساسی و کلیه نهادهای منتخب مردم، همگی موید این واقعیت اند که تنها با طرد رژیم «ولایت فقیه» است که می توان به آینده اصلاحات و تحقق تغییرات بنیادین، دموکراتیک و پایدار به نفع توده های مردم امیدوار بود. این نظر واقع بینانه حزب ما امروز بتدریج به نظر غالب در جامعه و خصوصاً جنبش مردمی تبدیل شده است و این همان «تند روی» بی است که امروز نگرانی مدافعان «نظام» کنونی را برانگیخته است.

نکته جالب تر اینکه امپریالیسم و خصوصاً انحصارهای فراملی که در ماه های اخیر ده ها میلیارد دلار قرار داد اقتصادی با رژیم «ولایت فقیه» امضاء کرده اند نیز نگران شکل گیری یک جایگزین مترقی در ایرانند و از زبان نشریه مشهور ارگان انحصارهای سرمایه داری، یعنی «تایمز مالی» به طور غیر مستقیم جنبش را به سازش با ارتجاع حاکم دعوت می کنند. «تایمز مالی» در مقاله تحلیلی خود درباره اوضاع ایران، با عنوان «کشتی بی ثبات ایران»، در شماره چهارشنبه ۲۳ آذرماه خود (۱۳ دسامبر ۲۰۰۰) ضمن اشاره به برخورد های حاد شونده در درون ایران و

سرخوردگی بخش هایی از نیروهای اجتماعی مدافع اصلاحات از عدم توانایی سید محمد خاتمی در تحقق شعارهای انتخاباتی دوم خرداد، به شکل بسیار زیرکانه و مزورانه بی می نویسد: «به عقیده بعضی، آینده جمهوری اسلامی، تا حدود زیادی به اتحاد خاتمی و بخش های «میانه رو» نیروی محافظه کار بستگی دارد. چنین اتحادی می تواند از یک سو سد راه نیروهای ملی که خواهان جدایی دین از حکومت اند باشد و از سوی دیگر جلو نیروهای تند رو مذهبی را که مخالف هرگونه تغییری هستند بگیرد. با توجه به چنین نظری است که آیت الله شاهرودی، رئیس محافظه کار قوه قضائیه ضمن هشدار باش در زمینه خطراتی که به دلیل برخورد های شخصی و جناحی جمهوری اسلامی را تهدید می کند می گوید ما همه مسافر یک کشتی هستیم، اگر خدای ناکرده کشتی غرق شود ما همه با کشتی غرق خواهیم شد.»

نگرانی امپریالیسم از پاگیری یک جایگزین مردمی و مترقی، روشن است. به گزارش هفته نامه نفتی «پترولیوم آرگوس»، در مقاله بی با عنوان: درباره ایران در سال ۲۰۰۱، «سال جدید میلادی برای شرکت های بزرگ نفتی دنیا که علاقمند به سرمایه گذاری در ایران هستند سالی خوب و امیدوار کننده خواهد بود.» این هفته نامه با برآورد کردن ۱۰ میلیارد دلار برای ارزش سرمایه گذاری های مستقیم در پروژه های هفت گانه صنایع نفت ایران اضافه کرد که این طرح ها موجب افزایش ظرفیت تولید نفت خام ایران به میزان یک میلیون بشکه در روز در چهار ساله آینده خواهد شد. بر اساس همین گزارش همچنین شش شرکت ژاپنی موافقت خود را با تضمین پرداخت کمک هایی به مبلغ سه میلیارد دلار برای پروژه نفت آزادگان در سه سال آینده اعلام کرده اند (نگاه کنید به گزارش ایرنا، هشتم دی ماه ۱۳۷۹).

این برداشت و خواست انحصارهای سرمایه داری درست مشابه نظری است که آنها پیش از انقلاب بهمین در زمینه حفظ رژیم پوسیده پهلوی ابراز داشتند. انحصاری های سرمایه داری، پس از سال ها حرکت محافظه کارانه در برابر رژیم ایران اکنون با سرعت و در ابعاد گسترده بی به انعقاد قراردادهای اقتصادی اسارتبار با رژیم «ولی فقیه» مشغولند و از همین روست که منافع آنان حکم می کند که اوضاع کنونی بدون روی دادن هیچ گونه ناآرامی در جامعه که منافع آنان را به خطر بیفکند ادامه پیدا کند. از انحصارهای غارتگر امپریالیستی انتظاری جز این نیست.

از مجموعه آنچه که در بحث بالا ارائه شد، روشن می گردد که طرح تئوری ضرورت باز بینی، و در واقع، عقب نشینی باز هم بیشتر و تجدید نظر کامل در خواست های جنبش اصلاح طلبی، همگام با خواست های ارتجاع حاکم و «ولی فقیه»، خطری جدی برای به سازش کشیدن جنبش و بازگشت به دوران رفسنجانی در ایران است. جنبش مردمی ضمن افشای این خطر باید با تمام توان بر خواست های برحق خود در زمینه ادامه اصلاحات و تعمیق آن پای فشارد و با تأکید بر سازمان دهی نیروهای اجتماعی مدافع اصلاحات، زمینه را برای وادار کردن ارتجاع به عقب نشینی آماده کند.

ادامه نمایندگی حزب توده ایران در ...

مجلس که بیشتر از هر قشری زنان را در معرض دستبرد قرار می دهد. در آینده با کوتاه شدن خدمات دولتی در زمینه برآوردن نیازهای تأمین اجتماعی، موقعیت زنان در جایگاه نامساعد تری قرار خواهد گرفت.

ما از فمینیسم در مرکز توجه قرار دادن شرایط زندگی زنان را می فهمیم نه آنکه مرد به عنوان معیار در نظر گرفته شود و زن همانند انحرافی از آن. کار خانگی هنوز به زنان تعلق دارد و کار دفتری به مردان....»

رفیق «موری»، دبیر اول اسبق حزب، و کمونیست مشهور، در سخنرانی کوتاه خود، از جمله گفت: «سوسیال دموکراتها می خواهند نشان دهند که وضعیت کنونی در اتریش تنها در نتیجه تعویض دولت به وجود آمده است. در صورتی که آنان خود سالها این سیاست را به پیش برده اند و زمینه ساز روی کار آمدن دولت کنونی بوده اند.» کنگره در طی دو روز بحثهای زیادی پیرامون طرح برنامه پیشنهادی از سوی هیئت مرکزی حزب و دیگر نظرات اصلاحی را به نتیجه رساند و رفیق بایر مجدداً به مسئولیت صدر هیئت مرکزی انتخاب گردید. هیئت نمایندگی حزب توده ایران، از جمله معدود میهمانان دعوت شده به کنگره حزب کمونیست اتریش بود، که این خود نشان دهنده روابط عمیق و تاریخی میان حزب ما و حزب کمونیست اتریش است. در پیامی که از سوی حزب ما به کنگره فرستاده شد، از جمله بر بسط و تعمیق هر چه بیشتر روابط دو جانبه تأکید شد. در قطعنامه بی که با عنوان «بر ضد امپریالیسم و سرکوب در خاورمیانه و نزدیک» به تصویب کنگره رسید، از جمله در رابطه با ایران چنین می خوانیم: «... سرکوب و ترور از علایم مشخصه رژیم اسلامی ایران است. نیروهای ارتجاعی به رهبری علی خامنه ای با تمام نیرو از خواست مردم برای دموکراتیزه کردن حکومت جلوگیری می کنند. نیروهای مترقی - دانشجویان و نمایندگان مطبوعات که حاضر به سلب عقیده از خود نیستند به زندان و با مرگ تهدید می گردند. حزب کمونیست اتریش، با تمام نیرو، از احزاب برادر و سازمانهای دوست در این کشورها و پیش از همه از نمایندگان این احزاب که مبارزه خود برای آزادی و عدالت را در تبعید به مبارزه خود ادامه می دهند، حمایت می کند.»

ادامه شانزدهمین کنگره حزب کمونیست پرتغال

باز یابی از خود نشان می دهد و لیکن این نیز مشهود است که ده سال پس از شکست تلاش برای ساختن سوسیالیسم در شرق، سرمایه داری نتوانسته است تضادهای درونی خویش را از بین ببرد و میلیونها انسان را به فقر و زندگی در فلاکت محکوم کرده و در همان حال تعادل محیط زیست را بطور جدی تغییر می دهد. پیشرفت های رهایی بخشی که در قرن بیست صورت گرفته از تفکر خلاق و اقدامات انقلابی کمونیست ها جدایی ناپذیر است. کوشش برای تعمیق دموکراسی در تمام عرصه ها یش، کوشش برای کسب اطمینان به این که در قرن بیست و یکم، سوسیالیسم می تواند بر سرمایه داری و عواقب نکبت بار اجتماعی آن غالب شود، بزرگترین وظیفه ای است که کمونیستها با آن روبرو هستند.

نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران که در کنگره حزب برادر شرکت فعال داشت در طول کنگره با بسیاری از نمایندگان احزاب برادر ملاقات کرده و در مذاکرات دو و یا چند جانبه، شمه ای از وضعیت ایران و مبارزات مردم ایران علیه رژیم ولایت فقیه را تشریح کرد. در طول کنگره ملاقات دو جانبه ای بین هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران و هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال برگزار شد که در طی آن نماینده حزب توده ایران ضمن ارائه شمه ای از اوضاع کنونی کشور، مبارزات مردم و زحمتکشان، مواضع نیروهای مختلف و نیز نظریات مشخص حزب مان در رابطه با جنبش اصلاح طلبی کنونی و پاسخگویی به پرسشهای مطرح شده، تیریکات انقلابی حزب مان را به مناسبت برگزاری موفقیت آمیز کنگره و آرزوهای آن برای پیروزی مبارزات مردم پرتغال برای صلح و سوسیالیسم، را تقدیم حزب برادر کرد. کنگره پس از سه روز با خواندن مجدد سرود انترناسیونال به کار خود خاتمه داد.

پیکار قطع ناشدنی زحمتکشان بر ضد سرمایه داری و ارتجاع

شهرداری تهران، در اعتراض به بازخرید اجباری خود، در مقابل ساختمان شهرداری مرکز تجمع کردند. بنا به گفته کارگران، بازخرید کارکنان با هماهنگی و تیبانی وزارت کار و شهردار سابق تهران انجام شده است.

در ۱۸ آبان ماه، کارگران کارخانه چیت سازی بهشهر، در اعتراضی سازمان یافته، در محوطه کارخانه گرد آمدند، و تامین امنیت شغلی خود را خواستار شدند. کارگران همچنین به برنامه تعدیل نیروی انسانی در این واحد تولیدی اعتراض کردند و خواستار بازگشت کارگران اخراجی شدند.

در شهر نیشابور، ۲۱ آبان ماه، ده ها کارگر بیمه سازمان تامین اجتماعی، در برابر فرمانداری شهر گرد آمدند، و خواستار راه اندازی بیمارستان ۹۶ تختخوابی تامین اجتماعی نیشابور شدند. کارگران، در این گردهمایی، با شعارهایی بر ضد خصوصی سازی، نسبت به اجرای این سیاست هشدار دادند. این کارگران،

در ۱۱ آذر ماه، دومین تجمع اعتراض آمیز خود را در محل بیمارستان تامین اجتماعی شهر برگزار کردند. کارگران گفتند که، اگر سازمان تامین اجتماعی، بیمارستان ۹۶ تختخوابی را به سود کارگران راه اندازی نکند، آنها به راه های دیگری متوسل می شوند تا خواسته بحق خود را به مسئولان این سازمان

بقبولانند. کارگران کارخانه علاء الدین، واقع در غرب تهران، روز دوشنبه ۳۰ آبان، در اعتراض به عدم دریافت دستمزدهای خود، به مدت ۸ ماه، به طور بی وقفه در برابر در این کارخانه

اجتماع کردند، سپس با آتش زدن لاستیک، چوب و مقوا، جاده تهران- کرج را مسدود ساختند. واحدهای ضد شورش نیروی انتظامی و مزدوران بسیج، کارخانه علاء الدین را محاصره، و مانع از تماس کارگران با دیگر کارخانجات شدند. در این

حرکت اعتراضی، تعدادی از کارگران نیز بازداشت گردیدند. این اعتراضات از تاریخ ۱۸ آبان ادامه داشته است، که ایسنا خبر آن را مخابره کرده است. در شهر کاشان، کارگران کارخانه فرش

محتشم، در اعتراض به عدم دریافت حقوق خود از ۶ ماه گذشته به اینسو، در برابر فرمانداری کاشان تجمع کرده و خواستار مذاکره با مقامات، از جمله، وزیر دادگستری که از شهر بازدید می کرد، شدند. در اول آذر ماه، کارگران کارخانه کفش سه

ستاره، با سازمان دهی یک حرکت شایان تحسین، در برابر ساختمان وزارت صنایع در تهران، گرد هم آمدند و با سردادن شعارهایی بر ضد خصوصی سازی، خواستار دریافت حقوق معوقه و تامین امنیت شغلی خود شدند. مزدوران بسیج و نیروهای

انتظامی به این گردهمایی آرام حمله کردند، و ضمن ضرب و شتم کارگران، عده بی را نیز دستگیر ساختند. کارگران این کارخانه قبلا، در اوایل شهریور ماه، با تجمع در مقابل ساختمان

استانداری تهران، مراتب اعتراض خود را نسبت به نامشخص بودن وضعیت شغلی و عدم پرداخت دستمزدها اعلام کرده بودند. تعداد کارگران این کارخانه ۳۰۰ نفر بوده است که تاکنون ۱۵۰

نفر از آنان اخراج شده اند. در عین حال، بنا به گزارشات متعدد و موقت، ناآرامی در میان فنگرگان خوزستان رو به گسترش است، به ویژه در میان کارکنان شرکت ملی حفاری ایران، که به ادامه خصوصی سازی این شرکت توسط دولت معترضند، در صدد برپایی سلسله اعتصابات سازمان یافته اند. علاوه بر نفتگران

خوزستان گروهی از نفتگران پالایشگاه تبریز نیز، با تجمع در محوطه پالایشگاه، خواستار تامین امنیت شغلی و اجرای طرح

طبقه بندی مشاغل و جلوگیری از عملی شد طرح تعدیل نیروی انسانی (یعنی اخراج کارکنان) شدند. در اصفهان، کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی شهرضا، در اعتراض به خصوصی سازی و اخراج های وسیع، در مقابل در کارخانه تجمع کردند.

کارگران، خیابان های منتهی به کارخانه را، با چوب و لاستیک اتومبیل مسدود ساختند. از سوی دیگر، کارگران کارخانه ایران ترانسفو زنجان، در اوایل آذر ماه، با یک اعتصاب سازمان دهی

شده، خواستار افزایش سطح دستمزدها مطابق نرخ تورم و توقف طرح خصوصی سازی کارخانه شدند. کارخانه مزبور وابسته به

طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما، در ماه های گذشته، به مبارزه بی همه جانبه بر ضد رژیم ولایت فقیه، برای تامین منافع صنفی و سیاسی خود دست زده اند، که در شرایط کنونی حائز اهمیت

ویژه ای است. آنچه در زیر، مختصراً به خوانندگان ارایه می شود، گزارشی کوتاه از برخی از مهم ترین حرکات اعتراضی کارگری است:

به دنبال اخراج های بی رویه و بیکاری گسترده کارگران و زحمتکشان، نماینده کارگران و کارکنان شرکت صنایع کوه فرد اصفهان در شورا های اسلامی کار این شرکت، با ارسال نامه بی خطاب به

مسئولان کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان اصفهان نسبت به رکود و تعطیلی عقرب این واحد تولیدی هشدار داد. شرکت صنایع کوه

فرد، با ۳۵ سال سابقه در صنعت الکترونیک، که یکی از با سابقه ترین کارخانجات الکترونیک ایران است که در حدود ۳۵۰ نفر کارگر و کارمند

شاغل به کار داشته که این تعداد اکنون به ۱۷۰ نفر کاهش پیدا کرده است و بیم تعطیلی کامل و بیکاری تمامی کارکنان آن می رود.

در پی حراج امکانات درمانی و بهداشتی، متعلق به کارگران و زحمتکشان، زحمتکشان سبزواری در اعتراض به واگذاری بیمارستان ۱۲۸ تختخوابی

تامین اجتماعی این شهر، نامه اعتراضی بی را انتشار دادند و در آن، ضمن، اظهار نگرانی از

زمنه های اخیر راجع به واگذاری بیمارستان ۱۲۸ تختخوابی تامین اجتماعی این شهر، تاکید کردند: «کارگران سبزواری مخالفت شدید خود را با این

تصمیم اعلام می نمایند.» به گزارش روزنامه کار و کارگر، دوشنبه ۱۱ مهر ماه، در گزارشی از

اعتصاب و اعتراض کارگران کارخانه پاکریسان تبریز، نوشت: «در جلسه مشترکی که با حضور نمایندگان جامعه کارگری و تشکل های کارفرمایی

و فرمانداری و کارگران شرکت در محل این کارخانه برگزار گردید، بدون اخذ هیچ نتیجه ای

پایان یافت و کارکنان بلا تکلیف و مستاصل شرکت پاکریسان بار دیگر احساس کردند هیچ

حامی و پشتیبانی ندارند. در شرایطی که نماینده تام الاختیار کارفرما اصرار داشت کارگران به

تعطیلی کار و تولید خاتمه دهند و به سر کار برگردند، اما کارگران معترض مدعی بودند در طول

ماه های گذشته از این وعده و وعیدها بسیار داده اند و هیچ نتیجه ای عاید نشده است.» بنا به این

گزارش، کارگران تصمیم گرفتند همچنان به اعتصاب خود ادامه دهند.

کارگران نساجی مازندران، در ۱۵ آبان، جاده سراسری ساری- قائم شهر را مسدود کردند.

کارگران بیکار شده، در اعتراض به عدم چاره اندیشی برای مشکلات، و راه اندازی این واحد تولیدی، محور ارتباطی مازندران در مسیر قائم

شهر- ساری را مسدود ساختند. در پی بالا گرفتن اعتراضات کارگری، شرکت نساجی طبرستان، برای

رهایی از موج اعتراضات کارگری، با صدور اطلاعیه بی این کارخانه را تعطیل اعلام کرد و از کارگران خواست تا به مدت یک ماه به کارخانه

مراجعه نکنند. کارگران اخراج شده بیمارستان «سینا» در اعتراض به اخراج خودشان (۷۰ نفر)، دست به یک تجمع اعتراضی در مقابل خانه کارگر

زدند. سوابق کاری این کارگران بین ۳ تا ۲۵ سال گزارش شده است. به عقیده کارگران، مسایل پیش آمده، ناشی از تیبانی مدیران بیمارستان با یکدیگر

است. کارگران گفتند که، از طرف مسئولان تاکنون هیچ اقدامی به نفع آنها صورت نگرفته است. در یک تجمع اعتراضی دیگر، در همان روز، کارکنان

وزارت نیرو است و ۲۰۰۰ کارگر در آن شاغل هستند. کارگران پلاکاردهایی در محکومیت برنامه خصوصی سازی در محوطه نصب کردند.

در مشهد، بیش از ۱۵۰ تن از کارگران کارخانه ایران چاشنی، در مقابل اداره کار این

شهر اجتماع کردند و خواهان رسیدگی به وضعیت خود شدند. کارگران این کارخانه ماه های متوالی است دستمزدی دریافت نکرده

اند. تجمع کارگران با دخالت نیروهای بسیج و واحدهای ضد شورش نیروی انتظامی بر هم زده

شد. به گزارش روزنامه «جمهوری اسلامی»، یکشنبه ۶ آذر، حدود ۳۰۰ تن از کارگران

شرکت جامکو، در تجمع اعتراض آمیز، مقابل نهاد ریاست جمهوری، خواستار رسیدگی دولت

به وضعیت نابسامان خود شدند. کارگران شرکت جامکو از سال ۷۷ هنوز حقوقی دریافت

نکرده اند، و با وجود مراجعه به دفتر ریاست جمهوری، خانه کارگر و وزارت کار هنوز کسی

برای حل مشکل آنان اقدام نکرده است. حدود ۱۰۰ تن از کارگران مزبور زن اند. بیشترین

اعتراضات از طرف زنان زحمتکش گزارش شده است.

شرکت بنیاد بتن، یکی دیگر از واحدهای تولیدی بنیاد مستضعفان، نیز به تعطیلی کشیده

شد و از اول آذر تولید آن متوقف شد. کارگران این واحد تولیدی اظهار کردند که، از

آبان ماه گذشته حقوق آنان قطع گردیده است. در تاریخ ۷ آذر ماه، بیش از ۱۵۰۰ تن از

کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی کاشان، برای دومین روز، در مقابل ساختمان های

شماره ۱ و ۲ این واحد بزرگ تولیدی اجتماع کردند و به سر دادن شعارهایی بر ضد سیاست

خصوصی سازی و کارفرمایان و مدیران کارخانه پرداختند. کارخانجات ریسندگی و

با فندگی کاشان، با ۶۰۰۰ کارگر و کارمند، از بزرگ ترین و مهم ترین واحدهای نساجی ایران

است، که اکنون به دلیل مشکلات نقدینگی در حالت ورشکستگی قرار دارد. صدها تن از

کارگران این مجتمع عظیم تاکنون اخراج شده اند. جمعی از کارگران شرکت تعاون، با تجمع

در مقابل استانداری کردستان، خواستار دریافت منظم حقوق و مزایای ماهانه خود

شدند. این کارگران بیش از چهار ماه است که از دریافت حقوق ماهانه خود محروم شده اند.

کارفرمای شرکت به کارگران اعلام کرده است که، دیگر به شرکت نیابند چون آنها اخراج

گردیده اند. روز چهارشنبه ۱۶ آذر گزارش شد که، کارگران کارخانه ماشین سازی تبریز، عصر

روز دوشنبه ۱۴ آذر، به اعتصاب ۸ روزه خود پایان داده اند، و تا روز شنبه به مدیران و مسئولان این کارخانه فرصت داده اند تا به خواست هایشان رسیدگی کنند. کارگران اعلام کردند که، در صورت بی پاسخ ماندن خواست

هایشان، از روز شنبه دوباره به اعتصاب دست خواهند زد. اعتراض کارگران در مخالفت با خصوصی سازی این کارخانه و زمزمه هایی

است مبنی بر احتمال اخراج کارگران. بنا بر همین گزارش ها تاکنون شش اعتصاب، در سال جاری، در این کارخانه صورت گرفته

است، و در آخرین اعتصاب، حدود ۲ هزار نفر از کارگران در آن شرکت کردند. علاوه بر این

موارد ذکر شده، در سراسر کشور، در کلبه مراکز کارگری، ناآرامی و تنش وجود دارد.

طبقه کارگر ایران با عزمی جزم، در پی احقاق حقوق صنفی و سیاسی خود است!

ما کشتار زندانیان سیاسی ترکیه را محکوم می کنیم!

کردها و نیروهای سیاسی هوادار کردها به کار گرفته شد.

واقعه حمله به زندان های ترکیه و کشتار جمعی زندانیان سیاسی و فشار همه جانبه ای که بر ضد آنها بکار گرفته می شود، از سویی نیز بیانگر رشد مبارزات مردم این کشور بر ضد دولت سرسپرده به امپریالیسم و تحت کنترل نظامیان است و عکس العمل دولت ترکیه، در حقیقت وحشت آن از گسترش مبارزات مردمی را نشان می دهد. عکس العملی که به دلیل سکوت معنی دار کشور های سرمایه داری در حقیقت با پشتیبانی ایالات متحده و امپریالیسم اروپا صورت می گیرد.

هدف دولت ترکیه از این جنایت را، باید ضمن سرکوب نیروهای مخالف و به ویژه چپ، متوجه برنامه سرمایه داری بزرگ اروپا دانست که در فرای الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا خواستار ثبات گورستانی اروپایی خارج از نفوذ و وجود نیروهای چپ است. اروپایی که وجود نیرو های چپ را خطری واقعی و جدی بر ضد منافع و بقای سرمایه داری می بیند. تحولات اخیر در ترکیه و سکوت کشورهای امپریالیستی در قبال آن، نمودار بارز ماهیت تحولات اروپا است، تحولاتی که متضمن میدان گرفتن نیروهای ارتجاعی از سویی و افزایش فشار بر مردم و نیروهای مترقی از سوی دیگر است.

کشتار زندانیان سیاسی در ترکیه، از زاویه دیدی دیگر، کبی برداری جنایتکارانه ای از شیوه های رژیم های حاکم بر کشورمان در سر به نیست کردن زندانیان ترقی خواه و مقاوم در قتل عام زندانیان سیاسی در بند است، شیوه ای که هم در دوران رژیم پهلوی به کار گرفته شد و هم رژیم «ولایت فقیه» در سرکوب نیروهای مترقی از آن استفاده کرد. در حکومت «ولایت فقیه» نیز مزدوران حکومتی، به دستور «ولی فقیه» هزاران نفر از زندانیان را به جوخه های مرگ سپردند. ارتجاع، همواره با وحشت از گسترش جنبش ها تلاش کرده است تا با نابود کردن گردان های مقاوم و رهبران این جنبش ها روند تحولات را سد کند. اما سرانجام قدرت خلق پیروز مند خواهد بود و طومار ارتجاع را، در هرجا که باشد، در هم خواهد پیچید.

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن حمله به زندان های ترکیه و کشتار ددمنشانه زندانیان سیاسی، پشتیبانی خود را از مبارزات به حق مردم این کشور اعلام می کند و خواهان پایان بخشیدن فوری به سیاست سرکوب نیرو های ترقی خواه و تضییقات نسبت به آنها است. ما هم زبان با نیرو های مترقی در جهان خواهان گسیل هیئت های تحقیق مستقل و بی طرف بین المللی به ترکیه برای بررسی حقایق مربوط به این جنایت مخوف و ارائه نتایج آن به مجمع عمومی سازمان ملل و پارلمان اروپا و اعمال مجازات های دیپلماتیک موثر در مورد دولت حاکم در آنکارا هستیم. حزب توده ایران همبستگی رزمجویانه خود را با زندانیان سیاسی ترکیه و احزاب چپ و ترقی خواه این کشور اعلام می دارد.

دولت ترکیه، عضو رسمی پیمان ناتو و کاندیدای عضویت در اتحادیه اروپا، در عملیاتی وحشیانه و غیر انسانی، با گسیل نیروهای نظامی به زندان ها، ده ها تن از زندانیان سیاسی مقاوم این کشور را، که حاضر به دست کشیدن از حقوق اولیه خود نبودند، به قتل رساند و تعداد بیشماری را نیز مجروح ساخت.

دولت ترکیه، که طی چند دهه اخیر، مبارزات گسترده و بی رحمانه ای را بر ضد نیروهای مردمی و مترقی این کشور و از جمله نیروهای خلق کرد ادامه داده است، سعی دارد تا با فشار های روز افزون، زندانیان سیاسی را هرچه بیشتر تحت فشار قرار دهد و مقاومت آنها را درهم بشکند. حملات اخیر، در پی اعتصاب غذای ۱۱۳۹ نفر از زندانیان سیاسی، که به طرح سازماندهی جدید زندان ها اعتراض داشتند، صورت گرفت. در طرح جدید موسوم به «طرح اف» (F)، به جای زندان های عمومی، سلول های کوچک تر و انفرادی در نظر گرفته شده است. دلیل اجرای چنین طرحی، جلوگیری از گسترش جرایم در داخل زندان ها اعلام شده است. اما در واقع این اقدامی با هدف دور نگهداشتن زندانیان سیاسی از یکدیگر به منظور جلوگیری از همکاری زندانیان در داخل زندان ها، و افزایش فشار روحی بر آنان است.

به گزارش عفو بین الملل که نمایندگان آن اخیراً برای تحقیق در باره عملیات جنایتکارانه مقامات دولت ترکیه از زندان ها بازدید می کنند در زندان های نوع F، حبس انفرادی و یا نگهداری گروه کوچکی از زندانیان (حد اکثر سه نفر) در هر سلول متداول است. این حربه بی است برای شکستن روحیه و مقاومت زندانیان سیاسی. نمایندگان عفو بین الملل گزارش دادند: «تحقیقات ما نشان می دهد که زندانیان منتقل شده به انفرادی و در تنهایی نگهداری شده و مورد شکنجه و بدرفتاری قرار گرفته اند.»

دولت ترکیه در شصت و یکمین روز این اعتصاب غذا برای جلوگیری از گسترش دامنه آن، پلیس، ارتش و نیروهای ویژه را به بیش از ۲۰ زندان ترکیه گسیل داشت. در شش زندان، از جمله زندان های عمرانیه و بایرام پاشا در استانبول، و زندان جیحان در آدانا، درگیری های سختی بین زندانیان و نیروهای امنیتی و نظامی در گرفت. در حمله به زندان عمرانیه که در سحرگاه صورت پذیرفت نیروهای امنیتی از زره پوش نظامی، بولدوزر و ماشین های آتش نشانی استفاده کردند. هدف، شکستن اعتصاب و سرکوب هر حرکت اعتراضی از سوی زندانیان بود. نیرو های نظامی با هجوم به زندان ها و تیر اندازی به سوی زندانیان و ضرب و شتم آنها، قریب ۳۰ نفر را به قتل رسانده و صد ها نفر را زخمی و روانه بیمارستان ها کردند.

نیروهای ترقی خواه و چپ گرای ترکیه، از جمله حزب آزادی و همبستگی (ODP)، حزب کمونیست ترکیه و حزب کارگران ترکیه (EMEP)، جنبش اعتراضی پر دامنه ای را در درون و خارج از ترکیه بر ضد جنایات رژیم در زندان ها سازمان داده اند. وزیر «عدلیه» ترکیه، حکمت سامی ترک، در اظهارات بی شرمانه ای، حمله به زندانها را حرکتی برای نجات جان زندانیان عنوان کرد. او خطاب به خانواده های زندانیان گفت: «هدف این عملیات نجات جان فرزندان شما بود و دولت دست عطف آمیز خود را به سوی آنها دراز کرده است.»

آنچه که در ترکیه می گذرد، فاجعه بی است انسانی بر ضد نیروهای چپ و مردمی این کشور. دولت ترکیه با اتخاذ چنین شیوه هایی قصد نابودی و متلاشی ساختن جنبش چپ و رادیکال این کشور را دارد.

رژیم ترکیه برای فرو نشاندن اعتراضات عمومی داخلی و خارجی در رابطه با نقض خشن حقوق بشر در این کشور و وضعیت زندانیان سیاسی، طی ماه گذشته، با صدور لایحه بی، اعلام عفو عمومی کرد که، بر اساس آن بیش از ۲۰ هزار نفر از زندانیان جرایم عمومی و بزهکاران آزاد شدند. این عفو عمومی شامل حال زندانیان سیاسی، که بسیاری از آنها بیش از ۲۰ سال است که در زندان به سر میبرند، نمی شود.

در رابطه با این لایحه، دادگاهی در ترکیه، از دادگاه عالی کشور درخواست کرد تا عفو عمومی شامل حال زندانیان سیاسی نیز بشود. اما «بلنت اجویت» نخست وزیر ترکیه، ضمن مخالفت شدید با این پیشنهاد، در جواب گفت که، نباید تصور شود که همه زندانیان باهم برابر هستند. بنا به گفته وی، در خواست زندانیان سیاسی در واقع لغو قانون «ضد تروریستی» ترکیه است. یعنی قانونی که در دهه ۸۰ سبب شد تهازران نفر از فعالین چپ و گروه های مترقی با اتهام های واهی و جعلی دستگیر شده و به زندان های طویل المدت محکوم شوند. بعدها این قانون بر ضد

کمک های مالی رسیده

کمک به خانواده های زندانیان سیاسی در سالگرد حزب از سوئد ۲۵۰ مارک
به مناسبت ۵۹-مین سالگرد حزب- بخش کوچکی از دوستداران
حزب در آمریکا ۵۰۰ دلار
برای مبارزه با فاشیسم از برلین ۳۰۰ مارک

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3- <http://www.tudehpartyiran.org>

NAMEH MARDOM-NO:600
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

16 January 2001

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک